فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲، ص ص۹۵-۷۳

بررسی تغییرات سامانه نظم متأثر از تحولات خاورمیانه با تمرکز بر ژئوپلیتیک شیعه در سال ۲۰۱۱

سیدجواد صالحی[1]
استادیار علوم سیاسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)
سعید ساسانیان[2]
کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای دانشگاه شیراز

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۱/۲۸
تاریخ پذیرش: ۹۲/۰٤/۱۵

چکیده

پیروان مکتب فرانفکورت اگرچه مستقیماً در حوزه ژئوپلیتیک ورود پیدا نکردند، مباحث نظری آنان توانست دست‌مایه‌ای برای طرح‌ریزی ژئوپلیتیک انتقادی یا مقاومت شود. در این شکل نوین از مفهوم ژئوپلیتیک، تقابل با گفتمان رسمی و غالب مبنا قرار می‌گیرد. بر این اساس، می‌توان تلقی‌ای از ژئوپلیتیک ارائه داد که برخلاف نظریات مکان‌محور کلاسیک، فضامحور باشند. بر اساس این قرائت، تز هلال شیعی که مبتنی بر مکان ارائه شده است، توسعه مفهومی می‌یابد و با محوریت «مقاومت»، قابلیت معنایی بیشتری در خاورمیانه خواهد داشت. تحولات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، از آنجا که مبتنی بر عامل «مقاومت» در مقابل هژمون ملّی و منطقه‌ای در ابعاد مختلف شکل گرفته است، باعث رشد کمی و کیفی این عامل در میان شیعیان شده است. این مسئله در کنار قرابت‌های گفتمانی مقاومت‌محور میان شیعیان و عامه، منجر به تغییر نظم منطقه‌ای شده است. این مقاله مبتنی بر فهم انتقادی از ژئوپلیتیک شیعه، در پی پاسخ به این سؤال است که این تحولات چه اثری بر ژئوپلیتیک انتقادی شیعه گذارده و این اثر چه تغییراتی را در نظم منطقه‌ای حاصل نموده است. فرضیه مقاله بر این اساس استوار است که تحولات اخیر موجب رشد کمی و کیفی گفتمان مقاومت شده و نظم سیستمی منطقه خاورمیانه اعم از چارچوب کارکردی، الگوهای رفتاری و سامان‌دهی الگوهای رفتاری در این منطقه را برهم زده است. چارچوب مفهومی در نظر گرفته شده برای تأیید فرضیه، مبتنی بر نگرش سیستمی به مطالعات منطقه‌ای و همچنین ژئوپلیتیک انتقادی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: تحولات خاورمیانه، ژئوپلیتیک شیعه، ژئوپلیتیک انتقادی، نظم منطقه‌ای.

---

1. Salehi_j@yahoo.com
2. Sasanian65@gmail.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030273]

مقدمه

اگرچه تحولات جدید خاورمیانه و شمال آفریقا همچنان ادامه دارد و به مرحله تثبیت نهایی نرسیده است، اما طی همین مدت اثرات فراوانی بر روی معادلات نظم منطقه‌ای گذاشته است. به‌گونه‌ای که از تغییرات منتظم قابل کنترل در خاورمیانه بزرگ و نوین شروع و عملا به سوی یک نظام غیرقابل پیش بینی و سیال حرکت کرده است. (ر.ک به: مسعودنیا و صادقی نقد علی، ۱۳۹۲: صص ۱۰۰-۹۹) نظم گذشته در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا مبتنی بر همراهی برخی دولت‌ها با بازیگر مداخله‌گر، یعنی ایالات متحده آمریکا، سامان یافته بود، اما تحولات شگرف و اساسی آن دولت‌ها مبنایی برای راهبرد منطقه‌ای جدید آمریکا شده است. با همه این تفاسیر، به‌نظر می‌رسد آثار تحولات منطقه قابلیت کندوکاو علمی در حوزه‌های مختلفی همچون اقتصاد، اقتصاد سیاسی، فرهنگ سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی، امنیت منطقه‌ای و حتی حوزه اندیشه‌ای را دارا باشد. در این خصوص، فهم اثرات چنین تحولاتی بر مذاهب و قومیت‌ها نیز از جایگاه قابل توجهی برخوردار است. بر این اساس، می‌توان به بررسی موقعیت کنونی گفتمان شیعی دست زد. اما خود این بررسی می‌تواند در چارچوب‌های مختلفی صورت پذیرد؛ ژئوپلیتیک شیعه اعم از ژئوپلیتیک انتقادی و یا کلاسیک، نگاه تشیع به دولت و گستره معنایی آن، جایگاه رهبری در تحولات اخیر و نظرات شیعی در این زمینه و غیره. این مقاله در صدد است تا اثرات تحولاتی را که از اواخر سال ۲۰۱۰ میلادی در منطقه خاورمیانه آغاز شد بر ژئوپلیتیک انتقادی شیعه، مورد بررسی قرار دهد. البته این هدف نهایی مقاله نیست بلکه تغییرات نشأت گرفته از این تحولات در حوزه ژئوپلیتیک شیعه و آثار چنین تحولاتی بر سامانه نظم منطقه‌ای مقصود خواهد بود. لذا سؤال اصلی مقاله با این عنوان مطرح شده است که این تحولات چه اثری بر ژئوپلیتیک انتقادی شیعه گذارده و این اثر، چه تغییراتی را در نظم منطقه‌ای حاصل نموده است. فرضیه مقاله نیز این‌گونه برآورد شده است که تحولات، موجب تغییرات نقشی و گفتمانی در میان بازیگران خاورمیانه‌ای مؤثر در حوزه ژئوپلیتیک شیعه شده است که نهایتاً این امر سامانه نظم منطقه‌ای را دستخوش تحولاتی نموده است. سه قسمت اساسی سامانه نظم یعنی چارچوب کارکردی که خود شامل واحدهای سیستمی، قواعد، کنش‌های متقابل و مرزهای سیستمی می‌شود، الگوهای رفتاری و سامان‌دهی الگوهای رفتاری، در حال حاضر دچار تحولاتی شده‌اند و به‌نظر می‌رسد، این تحولات تاکنون از منظر انتقادی،

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030273]

موجب تقویت ژئوپلیتیک شـیعه شده است. اما این فرضیه در چارچوب نظری دو بخشی قابلیت سـنجش یافته اسـت. بخش اول شـامل مباحث ژئوپلیتیک انتقادی می‌گردد که در مقابل نظریات کلاسـیک ژئوپلیتیک قرار می‌گیرد. در این نگرش به ژئوپلیتیک، «مقاومت» در مقابل نظام سـلطه از سـوی بازیگران فروملّی، ملّی، منطقه‌ای و بین‌المللی به‌عنوان یک مفهوم تحلیلی کلّی مطرح می‌شـود که می‌توان بر اساس آن و با یک نگاه گفتمان محور به تحلیل تحولات یک سیسـتم پرداخت. اما بخش دوم چارچوب نظری برخلاف بخش اول که به ماهیت مرتبط بود، شکلی است و ساختار را مد نظر قرار می‌دهد. ساخت کلی مقاله بر این اسـاس است که پس از تشریح چارچوب نظری دوبخشی مذکور، تحولات ژئوپلیتیک انتقادی شـیعه با محوریت‌بخشـی به دو عنصر شـیعیان در قالب بازیگران ملّی - شیعی و فروملّی - شـیعی و همگرایان گفتمانی در دو قالـب ملّی - گفتمانی و فروملّی - گفتمانی در فراینـد این تحولات، مورد بررسـی قرار می‌گیرد. پس از آن، این تحولات در سـامانه نظم منطقه‌ای قرار گرفته و تغییرات نظم بررسی می‌شود. البته نگاهی به تحولات سوریه و بحران این کشور که از اوایل سال ۲۰۱۱ آغاز گشت، آثار قابل توجهی بر ژئوپلیتیک شیعه بر جای گذاشته است که تلاش می‌شود این مسئله نیز در مقاله مورد بررسی قرار گیرد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چارچوب نظری

چارچوب نظری در نظر گرفته شده برای این مقاله، از دو قسمت تشکیل شده است. بخش اول محتوایی بوده و به بررسـی ژئوپلیتیک انتقادی می‌پردازد و بخش دوم شـکلی بوده و سامانه نظم سیستمی را بیان می‌کند.

۱. ژئوپلیتیک انتقادی

ژئوپلیتیک انتقادی عمدتاً در مقابل ژئوپلیتیک سنتی یا ارتدوکس قرار می‌گیرد. از این منظر و در یـک نگاه کلان‌تر، ژئوپلیتیک صرفاً یک شـاخه از نظریه انتقادی اسـت که در مقابل شـاخه‌ای از پوزیتیویسـم قرار می‌گیرد. نگاهی اجمالی به آموزه‌های اساسی نظریه انتقادی می‌تواند مبانی نظری ژئوپلیتیک انتقادی یا مقاومت را مشخص سازد. مکتب نظریه انتقادی یا مکتب فرانکفورت در واقع از مشـاجرات فکری بر سـر هگل، مارکس و فروید در بین اندیشـمندان پیدا شـد. به‌تدریج این مکتب به نقد فرهنگ و شیوه فکر بورژوایی و فرایند عقلانیت جامعه نو روی آورد و در نتیجه از تحلیل‌های اقتصادی، سیاسی و تاریخی به‌شیوه

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030273]

خــود مارکس فاصله گرفت. به‌طــور کلی، از منظر این دیدگاه علم اثباتی و تفکر بورژوایی همراه با ســلطه عقلانیت ابزاری، مانع رهایی است. ســلطه موجود در جامعه سرمایه‌داری پیشــرفته دیگر ســلطه طبقاتی نیســت و به‌علت دگرگونی دریافت و آگاهی طبقات اصلی به‌واســطه رشد ســلطه عقل ابزاری، طبقات اجتماعی وابسته به نظام اقتصادی، دیگر عامل رهایی به‌شمار نمی‌روند و طبقات پائین هم در حفظ سلطه دستگاه موجود ذی‌نفع شده‌اند (بشــیریه، ۱۳۸۹: ۱۷۱-۱٦۹). مکتب فرانکفورت معتقد است که جامعه خردورز، جامعه‌ای است که همگی در جهت دگرگونی و خلق محیط جدید مشارکت داشته باشند. اولین شرط خلق این دنیای جدید انتقاد از شــرایط موجود اســت. از دیدگاه نظریه انتقادی، جامعه‌ای که گروه‌هایی از مردم را از شــرکت در فعالیت‌های سیاســی و اقتصــادی محروم کند و یا به‌طور نظام‌مند، گروه‌هایی از مردم را فاقد قدرت نماید، یک جامعه خودســتیز خواهد بود (احمدی‌پور، ۱۳۸٤: ۱۱۷).

در جدول زیر به تفاوت‌های اساسی نظریه انتقادی و پوزیتیویسم اشاره شده است:

نظریه انتقادی	پوزیتیویسم
شناخت شناسی تابع چارچوب اجتماعی است	شناخت شناسی از عواملی زمانی و مکانی و ذهنی و بیرونی ذهنی تأثیر نمی پذیرد.
استعلاء: در پی یافتن امر ثابتی نیست	فرضیه سازی: در واقعیت های تجربی تغییرناپذیر کنکاش می کنند.
ساختن واقعیت: از طریق پراکسیس و نه نظریه پردازی انجام می گیرد.	نظریه سازی: وحدت روش شناختی علوم طبیعی و علوم اجتماعی و ارائه نظریه عمومی
استعلاء: تز، آنتی تز، تناقض و سنتز	عدم استعلاء: ایدئولوژی یا واقعیت تغییرناپذیر است یا قوانین تغییرناپذیری بر آن مسلط اند.
فرایندهای ناپیوسته و مداوم: انتقال از کمیت به کیفیت	فرایندهای مداوم و پیوسته: تغییرات کمی اند.
وضعیت نهایی وجود ندارد	وضعیت نهایی وجود دارد.
وابستگی متقابل و کل نگری	امور را باید مفرد دید

منبع: معینی‌علمداری، ۱۳۸۵: ۹۹، به نقل از: Galtung, ۱۹۷۷: ۲۱۱

بر اساس آنچه آمد می‌توان به فهم ژئوپلیتیک مقاومت یا انتقاد پرداخت.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030273]

لاکلاو درخصوص هژمون و ساختارشکنی معتقد است که این دو، دو روی یک سکه‌اند و هیچ یک بدون دیگری امکان تحقق ندارند (لاکلاو، ۵۸۹۱: ۱۸۲). میشل فوکو نیز بر این باور است که روابط قدرت بدون مقاومت وجود ندارد و البته او این مقاومت را در راهبردهای ملّی، منطقه‌ای و بین‌المللی منعکس می‌داند (ر.ک به: کیت نش، ۱۳۸۹: صص۲۰-۱۰). این‌گونه مقاومت‌ها را می‌توان به‌عنوان ژئوپلیتیک از پائین که از مادون (تحت سلطه) تبعیت می‌کند، توصیف کرد؛ وضعیتی که طی آن روابط استعماری، سلطه ارتش، سیاست و فرهنگ دولت و طبقات نخبه آن به چالش کشیده می‌شود؛ نگرشی که زبان حال طبقات تحت سلطه را منعکس می‌نماید و مملو از مبارزات ضدسلطه‌گری و مقاومت در برابر نیروی جبار دولت‌ها در سیاست‌های داخلی و خارجی آن‌ها است. این‌ها همان تعابیری هستند که بر اساس آنها جغرافی‌دانانی همچون سیمون دالبی، ژئاروید اتوتایل و پاول روتلج، تحت تأثیر مباحث فوکو، رویکرد ژئوپلیتیک و یا در یک معنای گسترده‌تر، ژئوپلیتیک انتقادی را مطرح کرده‌اند (یزدانی، ۱۳۸٦: ۱۳۰).

در چارچوب رویکرد ژئوپلیتیک انتقادی، ساخت‌شکنی سنت‌های تفکر ژئوپلیتیکی، تجدیدنظر و ارزیابی مجدد روش‌های تحلیل، تلاش برای وارد شدن به رویه علمی سیاست‌مداری، تحلیل برداشت‌های رایج از عوامل جغرافیایی در سیاست جهانی مورد بررسی قرار گرفته و معنای واقعی مکان و سیاست زیر سؤال رفته و به تحلیل کشورداری و سیاست خارجی به‌عنوان موضوعی بسیار مهم پرداخته می‌شود. نویسندگان ژئوپلیتیک انتقادی کوشش می‌کنند تا با دقت بررسی نمایند که چگونه توصیف مکان‌ها و مردم به هم مربوط می‌شوند تا رویدادها را بیان یا تعیین نمایند (احمدی‌پور، ۱۳۸٤: ۱۲۳). ژئوپلیتیک انتقادی بیشتر از آنکه جنبه عینی داشته باشد، برگرفته از ذهنیت‌هایی است که از طریق برخی رویه‌ها میان انسان‌ها صورت می‌پذیرد.

برای فهم عمیق‌تر ژئوپلیتیک انتقادی و مشخص‌سازی مؤلفه‌های آن، می‌توان در یک قیاس با ژئوپلیتیک کلاسیک، آن را بهتر شناخت:

۱. ژئوپلیتیک انتقادی در سطح تجزیه و تحلیل، بر سطوح تصمیم‌گیری و اجتماعی تأکید می‌ورزد در حالی که در ژئوپلیتیک کلاسیک، روابط ساختاری بین قدرت‌های درجه اول و دوم و همچنین روابط دولت‌ها در سلسله مراتب بین‌المللی مورد تأکید می‌باشند.

۲. در دیدگاه ژئوپلیتیک کلاسیک، فضا کاملاً تحت سیطره مکان است. از این رو،

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030273]

فضای سنتی روابط بین‌الملل با قلمرو مکانی انطباق داشته است و با علائم مکان مانند مرزهای جغرافیایی مشخص می‌گردد اما در ژئوپلیتیک انتقادی، فضا مؤلفه اساسی تجزیه و تحلیل است که برخلاف مکان، محتوای خاصی را در بر نمی‌گیرد و قابلیت مرزپذیری ندارد.

۳. از دیدگاه ژئوپلیتیک انتقادی، مطالعه ژئوپلیتیک، مطالعه فضایی شدن سیاست توسط قدرت‌های مرکزی و دولت‌های هژمون است و رویه موجود در دیدگاه ژئوپلیتیک کلاسیک را ساخته‌شده قدرت‌های بزرگ برای تأمین منافع خود می‌داند.

٤. ژئوپلیتیک سنتی در چارچوب ماتریالیستی ارائه می‌شود، در حالی که ژئوپلیتیک انتقادی بر پایه این استدلال است که ژئوپلیتیک، گفتمانی مرتبط با رابطه متقابل بین قدرت – شناخت و روابط سیاسی اجتماعی است (قاسمی، ۱۳۹۰: ٤۲-٤۰).

در نهایت، می‌توان ژئوپلیتیک انتقادی را این‌گونه تبیین کرد که رویکرد انتقادی به ژئوپلیتیک و نیز ژئوپلیتیک مقاومت، گروه‌های چریکی چپ‌گرا، نهضت‌ها و نیروهای اجتماعی، رسانه‌های غیردولتی، گروه‌های حقوق بشر، اقلیت‌ها و قومیت‌ها، احزاب و سازمان‌های اجتماعی و جنبش‌های مردم بومی را در بر می‌گیرد که گاهی به‌صورت شبکه‌های ملّی و بین‌المللی در برابر موافقت‌نامه‌ها و مؤسسات فراملّی و گفتمان‌های سیاسی مقاومت می‌کنند و نوعی جهانی‌سازی از پائین را که متضمن شبکه‌ای بین‌المللی از گروه‌ها، سازمان‌ها و جنبش‌های اجتماعی است، در قالب ژئوپلیتیک مقاومت یا ژئوپلیتیک از پائین تشکیل می‌دهند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۷٤)

۲. سامانه نظم سیستمی

سیستم بین‌الملل نوین به‌عنوان چارچوب اقدام دولت‌ها، امروزه بر اثر کارکرد نیروهای مختلف، ازجمله تکنولوژی، به‌گونه‌ای متحول گردیده که پارامترهای نوینی را در سیاست بین‌الملل ضروری ساخته است. علم روابط بین‌الملل یا سیاست بین‌الملل امروزه از حالت علم مطالعه روابط میان دولت‌ها خارج شده است. واحدهایی مانند افراد، گروه‌های غیردولتی، ساختارها و فرایندهای سیستمی نیز به‌عنوان عناصری از علم روابط بین‌الملل مطرح شده‌اند. بر همین پایه می‌توان گفت روابط بین‌الملل به‌عنوان یک حوزه علمی، علم مطالعه نظم سیستمی است (قاسمی، ۱۳۸٤: ۲۲). بنابراین موضوع اصلی، مطالعه نظم است اما این موضوع در قالب چارچوبی عمل می‌کند که در حقیقت محیط عینی آن را شکل

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030273]

می‌دهد. بدین‌ترتیب، نظم متغییر وابســته‌ای اســت که تحت تأثیر متغیرهای مستقل موجود در محیط عینی قرار دارد. محیط مذکور یعنی سیســتم از چهار پارامتر اساســی شکل گرفته اســت؛ ازجمله واحدها، کنش‌های متقابل، قواعد و مرزها که در قالب ســه مفهوم ساختار، فرایند و کارگزار مفهوم‌ســازی می‌شــوند. این مفاهیم در مجموع، ساخت سیستم را شکل می‌دهند (قاسمی، ١٣٨٤: ٢٩).

نگــرش سیســتمی، روابط بین‌الملل و تمامــی پدیده‌ها و موضوعــات مطرح در آن را به‌عنوان یک سیســتم در نظر می‌گیرد که می‌توان آن را سیســتم بین‌الملل نامید. این سیستم از دو بخش تشــکیل شده اســت: بخش نخست مربوط به طرح داخلی سیستم خواهد بود. ســاختار سیســتم، منطق حاکم بر سیستم و فرایندهای آن شکل‌دهنده چنین طرحی هستند. اما بخش دوم سیســتم مربوط به اجزاء درونی سیســتم، آن هم در قالب سیستم‌های فرعی یا سیســتم‌های تابعه‌ای اســت که سیســتم بین‌الملل را به‌عنوان یک کل، تشکیل می‌دهند. سرانجام، بین اجزای درونی سیستم ـ چه سیستم‌های فرعی آن و چه واحدهای شکل‌دهنده آن ـ وابستگی متقابلی برقرار است که زوجی بودن سیستم نامیده می‌شود.

دومین جزء نظم، الگوهای رفتاری و شکل‌گیری آن‌ها خواهد بود. در این قالب، نگرش سیستمی رفتارها و علل شکل‌گیری آن‌ها را از منظر کلی (یعنی سیستمی) می‌نگرد. در این سیســتم نیروهای متعدّدی تحت عنوان نیروهای ژرف عمل می‌کنند که اقتصاد، تکنولوژی، قــدرت و هویــت از آن جمله‌اند. این نیروهــا می‌توانند فرایندها و ســاختارهای نوینی را به‌وجود آورند؛ به‌عبارتی محیط‌های سیستمی را سبب شوند که در این محیط‌ها تعارضات یا همکاری پدیدار گردد.

ســرانجام سومین جزء نظم، ســامان‌دهی الگوهای رفتاری است که در نگرش سیستمی در قالب سیســتم‌های کنترل مورد بررســی قرار می‌گیرد. از این منظر، تمامی سیســتم‌ها به دو بخش کنترل‌کننده و کنترل‌شــونده تقسیم می‌گردند. سیستم‌های کنترل‌کننده دارای مدل، اهداف و قواعد خاصی هســتند و بر اساس ســطح موضوعی و ضرورت‌ها سطوح کنترلی مختلفی را به‌کار می‌گیرند (قاسمی، ١٣٨٤: ٣١-٣٠).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030273]



(قاسمی، ۱۳۸٤، ۳۲)

تحولات منطقه و ژئوپلیتیک انتقادی شیعیان

بـــرای فهم تأثیرات تحولات اخیر منطقه خاورمیانه و شـــمال آفریقا بـــر ژئوپلیتیک انتقادی شـــیعیان، درک بازیگران مؤثر در آن ضروری است. بر این اساس، ابتدا لازم است تا به‌طور کلّی فرآیند اثرگذاری یک بازیگر در این ژئوپلیتیک مورد بررسی قرار گیرد.

بدون شک با توجه به سیر تاریخی تشیع و در اقلیت بودن آن طی قرن‌های متمادی در جهان اسلام و وجود عناصر الهام‌بخشی که موجب رویکرد عمدتاً انتقادی آن در این مدت شده است، «مقاومت» یک دال مهم و اساسی در گفتمان شیعی محسوب می‌شود. این رویه حتی در شرایط کنونی که شیعیان در ایران به حکومت رسیده‌اند نیز صدق می‌کند. بر این اساس، شیعیان مقاوم در برابر سلطه (در سطوح ملّی، منطقه‌ای و بین‌المللی) اصلی‌ترین بازیگران مؤثر در ژئوپلیتیک انتقادی شـــیعه هستند اما این بدان معنا نیست که فقط شـــیعیان در آن اثرگذارند. از آنجا که در ژئوپلیتیک انتقادی، قرابت‌های گفتمانی یک عامل اثرگذار محسوب می‌شود، می‌توان برخی از بازیگران اهل تســـنن را نیز که رویکرد مقاومتی در قبال نظام سلطه دارند، در این راستا تحلیل کرد. این تحلیل، محدویت‌هایی نیز دارد. به‌عبارت دیگر، نمی‌توان آنها را بازیگران کانونی چنین ژئوپلیتیکی دانست؛ چرا که برخی از اقدامات آنان در فضای تقابل با شیعیان قرار می‌گیرد. البته فهم حوزه‌های تقابل می‌تواند موجب جامع‌تر شدن تحلیل شود.

در هر صورت، در این مقاله شـــیعیان به‌مثابه عناصر کانونی و برخی از گروه‌های عامه به‌عنوان گروه‌های گفتمانی مؤثر در ژئوپلیتیک انتقادی شیعیان مورد بررسی قرار می‌گیرند. این تقسیم‌بندی خود شامل چند نوع بازیگر می‌شود که عبارتند از: بازیگران «ملّی – شیعی» که اشـــاره به کشورهایی است که گفتمان رســـمی و ملّی آنان مبتنی بر گفتمان تشیع است؛

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی – پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030273]

بازیگران «ملّی – گفتمانی» شـامل کشـورهایی می‌شود که در سطح گفتمان ملّی و رسمی، قرابت‌هایی با گفتمان تشـیع دارند؛ بازیگران «فروملّی – شیعی» که به گروه‌ها، جنبش‌ها و احزاب شـیعه‌ای اشـاره دارد که در یک کشور شیعی و یا سنی فعالند؛ و بازیگران «فروملّی – گفتمانی» که شـامل گروه‌هایی می‌شود که اگرچه اهل تسنن هستند، با گفتمان شیعی در دال‌هایی چون «مقاومت» و یا «وحدت اسلامی» قرابت دارند.

در ادامه، کشورهای مصر، تونس، یمن، بحرین، سوریه و عربستان که در طی تحولات اخیر (اواخر ۲۰۱۰ تا کنون) آبستن برخی حوادث بوده‌اند، بررسی می‌شوند و نوع بازیگری آنان مطابق با چهار بازیگر مذکوری که در ژئوپلیتیک انتقادی شـیعه اثرگذار هسـتند، بیان می‌شود. ایران، حزب‌الله لبنان، عراق، حماس و جهاد اسلامی نیز در این ژئوپلیتیک مؤثرند اما نقش آنان صرفاً در بررسی تغییرات سامانه نظم منطقه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. بازیگران فروملّی – شیعی

بحرین: عمده جمعیت این کشور را شیعیان اثنی‌عشری تشکیل می‌دهند اما همواره مناصب سیاسـی و فرصت‌های اقتصادی محدودی داشـته و از تبعیض‌هـای گوناگون مذهبی رنج برده‌اند؛ ازجمله می‌توان به ممانعت در استخدام در بخش‌های دولتی به‌ویژه پلیس، نیروهای مسـلح و وزارتخانه‌های مهمی چون وزارت کشور، خارجه و دفاع و نهادهای امنیتی اشاره کرد (هاشمی‌نسـب، ۱۳۸۹: ۲۷). یکی از محورهای مهم اعتراضی شـیعیان بحرین، تلاش آل‌خلیفه برای دست بردن در ترکیب مذهبی موجود در بحرین است (حمیدی، ۱۳۹۰: ۷۰). اگرچه شیعیان در کنار جمعیت محدود اهل تسنن بحرین دست به اعتراضاتی علیه آل‌خلیفه می‌زنند، در شـرایط کنونی، گروه‌های شیعی فعال در این کشور توانسته‌اند در عرصه افکار عمومی و رسـانه‌ای، قدرتمندتر از پیش شوند. بی‌شـک تحولات اخیر در بحرین موجب رشـد کیفی شیعیان در عرصه مشارکت سیاسی غیرمسـتقیم و نافرمانی‌های مدنی گسترده شده است. این مسئله نقش شیعیان را در نظم موجود در بحرین مهم‌تر ساخته است.

عربسـتان: شیعیان عربستان عمدتاً در منطقه الشـرقیه (الحساء) مستقر هستند، هرچند در مناطق جنوبی یعنی جیزان و ظهران و در نزدیکی با مرزهای یمن نیز جمعیت غالب را شیعیان تشکیل می‌دهند (ابراهیم، ۱۳۸٦: ۲۵). از آنجا که غالب منابع نفتی عربستان ازجمله رأس‌التنوره در منطقه شـرقی این کشـور قرار دارد، شـیعیان برای آل‌سعود دارای اهمیت راهبردی هسـتند. شاید برای فهم محرومیت‌های شـیعیان عربستان سعودی، جمله گراهام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030273]

فولر در کتاب **شیعیان عرب: مسلمانان فراموش‌شده** کافی باشد:

«در بین تمام شـیعیان جهان عرب، شـیعیان سعودی به‌درسـتی مسلمانان فراموش‌شده هسـتند. تبعیض مذهبی، فرهنگی، قانونی و اقتصادی و نیز عدم مشـارکت در حکومت از ابعاد و ویژگی‌های حیات سیاسـی - اجتماعی شـیعیان عربستان است. همچنین بخشی از علمای مذهبی سعودی آنها را کافر قلمداد می‌کنند» (فولر: ۱۹۹۹: ۱۸۶).

پس از تحولات مصر و تونس و سقوط حسنی مبارک و بن علی، موجی از اعتراضات عربسـتان را دربرگرفت. مرد ناشـناس ٦٥ ساله‌ای در اسـتان شیعه‌نشین جیزان در جنوب عربسـتان، اقدام به خودسوزی کرد و بر اثر آن درگذشت. این حادثه باعث شد تا مردم ۱۱ مارس ۲۰۱۱ را روز خشـم اعلام نمایند. اگرچه اعتراضات در عربستان مختص به شیعیان نبوده و طبقات متوسط جدید را نیز دربرمی‌گیرد، شیعیان از قدیمی‌ترین طیف‌های مخالف در عربسـتان هستند. شـیعیان منطقه قطیف ماه‌ها است که اعتراض خود را به‌صورت علنی بیان می‌کنند (عباسـی اشـلقی، ۱۳۹۰: ٦۱). حتی برخلاف گذشته، شـجاعت اقدام شیعیان عربسـتان به‌حدی رسـیده است که پس از شنیدن خبر مرگ نایف بن عبدالعزیز آشکارا در خیابان‌های برخی شهرها به خوشحالی پرداختند.

به‌نظر می‌رسد طی تحولات صورت گرفته در منطقه، شیعیان موجب واهمه هرچه‌بیش‌تر حاکمان آل‌سعود شده‌اند. این مسئله را می‌توان به‌خوبی از مداخله نظامی عربستان در بحرین برای سرکوب شیعیان آن کشور دریافت. بی‌شک هرگونه تغییر و تحول در حضور شیعیان بحرین در سـاختار قدرت این کشور موجب سرایت به منطقه شرقیه عربستان خواهد شد. از سوی دیگر، بی‌ثباتی داخلی در عربستان که ناشی از بحران جانشینی در خاندان آل‌سعود است، فضا را برای رشد خیزش‌های شیعی آماده‌تر ساخته است.

یمن: اگرچه علی عبدالله صالح شیعه زیدی است، مخالفت او با شیعیان زیدی در استان صعده در شـمال یمن موجب شـد تا شش جنگ خونین را با حوثی‌ها صورت دهد. بررسی زمینه‌هـای تاریخی اعتراض حوثی‌ها با علی عبدالله صالح رئیس‌جمهور مخلوع یمن، نیاز به فرصتی دیگر دارد اما این گروه به‌صورت رسمی خواستار فعالیت حزب، تأسیس دانشگاه و به‌رسمیت شناختن مذهب زیدی در کنار سایر مذاهب از سوی دولت بوده است (کاردان، ۱۳۹۰: ۲۰۰)؛ ضمن اینکه این جنبش به فقر و مشکلات اقتصادی نیز معترض است. زیدی‌های یمن و حوثی‌ها اگرچه پس از شش مرحله جنگ با صالح در عرصه سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030273]

مشهور شدند، در شرایط فعلی به‌دلیل قدرت سازماندهی بالا، سابقه مخالفت جدی با صالح، جمعیت قابل توجه و غیره در عرصه سیاسی یمن حائز اهمیت هستند.

علاوه بر شـیعیان زیدی، جمعیت محدودی نیز از اثنی‌عشری‌ها در یمن ساکن هستند. اگرچه اینان نیز در جریان تجمع و تحصن در میدان التغییر حضور فعالانه‌ای داشـته‌اند، در شرایط فعلی به‌دلیل حجم مخالفت سلفی‌ها و جمعیت کم، توان سیاسی چندانی ندارند.

مصر: اگرچه آمار دقیقی از جمعیت شـیعیان مصر در دسترس نیست، حداکثر جمعیتی که برای آنان گفته شـده اسـت، مربوط به الدرینی یکی از بزرگان شـیعه در مصر است که ایـن جمعیت را تا دو و نیم میلیون نفر ذکر کرده اسـت (حسـینی و بهربر، ۱۳۸۹: ۱۷۹). شیعیان در زمان حسنی مبارک محدودیت‌های بسیاری را تحمل می‌کردند. شیعیان از لحاظ اقتصادی یکی از محروم‌ترین و فقیرترین مردمان مصر محسـوب می‌شوند. از سوی دیگر، در دوران ریاست حسنی مبارک در مصر، فعالیت‌های سیاسی آنان به‌شدت محدود و کنترل می‌شد، امری که بعدها با دخالت الازهر تا حدودی تعدیل شد. «جمعیت آل‌البیت» یکی از تشـکل‌های فعال شـیعی در مصر بود که از سوی نیروهای امنیتی مبارک محدود شده بود. با اختناق زمان مبارک، عملاً فعالیت‌های سیاسـی شیعیان مصر تعطیل شد. با وقوع انقلاب مصر، وضعیت شـیعیان این کشـور رو به بهبودی گذاشـت. بی‌شـک آنان پس از مبارک، احسـاس آزادی بیشتری نسبت به سایر گروه‌ها داشـتند؛ چرا که علاوه بر محدودیت‌های مذهبـی و سیاسـی داخلی، همواره از سـوی حکومت به ارتباط با ایران متهم می‌شـدند، مسـئله‌ای که دسـتاویزی برای محاکمه برخی از آنها هم شـده بود. شیعیان پس از مبارک، توانسـتند ارتباطات خوبی با ایران برقرار کرده و در قالب‌های گوناگون به این کشـور سفر کنند. آنها حتی در نامه‌ای به رهبر معظم انقلاب اسـلامی، برخی خواسـته‌های خود را از جمله ترویج تشـیع در مصر، به صراحت بیان کردند (تقویت همکاری‌های الازهر و قم و افزایش فعالیت‌های سـینمایی ایران در مصر، ۱۳۹۰/۳/۱۱). «راسم النفیس» یکی از رهبران شـیعیان مصر حتی چندی قبل از ایجاد یک حزب سیاسـی و معرفی کاندیدا در انتخابات ریاست جمهوری سخن گفته بود (شیعیان مصر حزب تشکیل می‌دهند، ۱۳۹۰/۶/۲). اخیراً نیز آنان از علامه کورانی عالم لبنانی‌الاصل نزدیک به حزب‌الله دعوت کردند تا برای افتتاح حسـینیه‌ای به مصر برود؛ اقدامی که با واکنش تند سـلفی‌ها و برخی از مسـئولین الازهر مواجه شـد (الازهر برای مقابله با تبلیغ تشـیع در مصر تشکیل جلسـه داد، ۲۰۱۲/۵/۲۰).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030273]

در شـــرایط کنونی به‌نظرمی‌رسد شیعیان مصر نسبت به قبل دارای حداقل میزانی از قدرت سیاسی شده‌اند.

تونـــس: اگرچه شـــیعیان تونس قبـــل از انقلاب اخیـــر این کشـــور و در زمان بن‌علی رئیس‌جمهور مخلوع این کشـــور دارای برخی محدودیت‌های مذهبی و سیاســـی بودند، در شـــرایط کنونی توانســـته‌اند با ایجاد برخی گروه‌ها، فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی تازه‌ای را آغاز کنند. آنان با استفاده از فضای سیاسی انبساط‌یافته توانسته‌اند عقاید خود را آشکارا مطرح ساخته و حتی به بحث با سلفی‌هایی که تعدادشان در تونس بسیار قلیل است بپردازند (تاریخچه و وضعیت کنونی شـــیعیان مصر، ۱۳۹۱/٤/۸). مهمترین خطری که می‌تواند مانع ایفای نقش سیاسی شیعیان این کشور شود، تشدید فعالیت سلفی‌ها است.

ســـوریه: بر اساس اصول شیعی، شیعه بودن علوی‌ها همچنان با برخی ابهامات مواجه اســـت اما در صورت پذیرش این مســـئله که آنان نیز یکی از گروه‌های شـــیعی محســـوب می‌شـــوند، می‌توان به بررســـی وضعیت علوی‌ها در ســـوریه پرداخـــت، البته در خصوص سوریه این مسئله مهم همواره باید مد نظر باشد که حوادث سوریه که از اوایل سال ۲۰۱۱ آغاز گردید، ضمن احترام به خواسته‌های به حق مردم سوریه در خصوص مسائل سیاسی، ازجمله مشـــارکت در تعیین سرنوشت خود، متفاوت از کشورهایی همچون مصر و تونس است؛ چرا که در شرایط کنونی، سوریه به محلی برای بازیابی نظم سابق از سوی کشورهای منطقه‌ای همچون عربستان و قطر و بازیگر مداخله‌گر یعنی آمریکا تبدیل شده است. در هر صورت، در شـــرایط کنونی، شیعیان ســـوریه با هجمه‌های مختلف نظامی، سیاسی و روانی گســـترده‌ای مواجه‌اند. این مسئله موجب شده اســـت تا آنان به‌هیچ‌وجه جایگاه قبلی را در سوریه بحران‌زده نداشته باشند.

۲. بازیگران فروملّی - گفتمانی

بحرین: شـــیعیان اصلی‌ترین گروه مخالف حکومت آل‌خلیفه در بحرین محسوب می‌شوند اما برخی گروه‌های اهل ســـنت نیز در این کشـــور، از چند ســـال قبل نســـبت به اقدامات منفعت‌طلبانـــه و دیکتاتورمآبانه آل‌خلیفه معترض بوده‌اند. در قیام ١٤ فوریه، این گروه‌های ســـنی همراه با شیعیان در میدان لؤلؤ حاضر شدند و علیه آل‌خلیفه شعار سردادند. از سوی دیگـــر، نوع نگاه این گروه‌ها به دخالت‌های عربســـتان ســـعودی در امـــور داخلی بحرین، متفاوت از نگاه شـــیعیان نبوده و همواره مداخلات نظامی و سیاســـی عربســـتان را محکوم

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030273]

کرده‌اند. از نکاتی که در قیام ۱۴ فوریه بحرینی‌ها قابل مشاهده است، شعارهای وحدت‌آمیز شیعه و سنی در کنار یکدیگر است؛ مانند شعار «لاشیعیه، لاسنیه، وحده وحده اسلامیه».

عربستان: علاوه بر گروه‌های شیعی مناطق شرقی و جنوبی عربستان، گروه‌هایی از عامه که نسبت به تبعیض‌های آل‌سعود معترضند، در قالب‌های گوناگون دست به اعتراض زده‌اند. گفته می‌شود طبقه متوسط جدید در عربستان مخالف سیاست‌های وهابیون بوده و گاهی این مسائل را در روزنامه‌ها و سایت‌های اینترنتی نیز بازگو می‌کنند (یمانی، ۱۳۷۸: ۲۷۵ همچنین ر.ک به: دوست‌محمدی و خطیبی، ۱۳۹۱: صص۲۱-۲۰). از سوی دیگر، دانشجویان طی ماه‌های گذشته موفق شدند برای اولین بار در تاریخ عربستان سعودی، دست به تجمع و تحصن‌هایی بزنند. یکی از تحصن‌ها در پی کشته شدن یک دانشجوی دختر توسط نیروهای امنیتی صورت گرفت که برای آل‌سعود بسیار گران تمام شد. از سوی دیگر برخی علمای اهل سنت که مخالف سیاست‌های وهابی و اندیشه‌های این مکتب انحرافی در اسلام هستند، اخیراً اعتراضات خود را علنی کرده‌اند. اگرچه میزان اشتراک گفتمانی این گروه‌ها با شیعیان عربستان چندان زیاد نبوده و گاهی تنش‌های گسترده‌ای نیز میان آنان وجود می‌آید، نکته قابل تأملی که برای ژئوپلیتیک انتقادی شیعه حائز اهمیت است، شکسته شدن حریم‌هایی است که تا پیش از این مانع اعتراض به آل‌سعود می‌شد. به‌عنوان مثال، اگر در گذشته دانشجویان شجاعت هرگونه اعتراض صنفی را نیز نداشتند، حالا برای اخراج نیروهای نظافت‌چی از یک دانشگاه دخترانه، تجمع برگزار می‌کنند (تحصن دانشجویان دختر عربستانی، ۱۳۹۰/۱۲/۲۰). این مسئله می‌تواند در توسعه فضا برای افزایش اعتراضات شیعیان و تضعیف آل‌سعود مؤثر باشد.

یمن: از آنجا که همچنان ابعاد قبیله‌ای در این کشور پررنگ است، ترکیب گروه‌های سیاسی کمی پیچیده‌تر از سایر کشورهای عربی است (ن.ک.: صادقی و احمدیان، ۱۳۸۹). طی اعتراضاتی که پس از انقلاب تونس و مصر، در یمن آغاز شد، عمده گروه‌های سیاسی در شعار «ارحل» خطاب به علی عبدالله صالح، رئیس‌جمهور سابق یمن اشتراک نظر داشتند. همین مسئله موجب شد تا آنها در کنار یکدیگر در میدان التغییر در صنعا، مدت طولانی‌ای را متحصن باشند. این مسئله باعث شد تا گروه‌های زیدی و به‌خصوص قبیله حوثی‌ها با توجه به قدرت مدنی و نظامی خود، و همچنین سابقه مبارزه با صالح، در ساختار سیاسی یمن تقویت شوند. البته نزاع‌های مختلفی با حوثی‌ها به‌صرف این‌که شیعه زیدی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030273]

هســـتند روی داده است. وقتی علی محسن الاحمر، فرمانده تیپ یکم زرهی ارتش یمن که فرماندهی سرکوب حوثی‌ها را طی پنج جنگ از جنگ‌های شش‌گانه صالح با آن‌ها برعهده داشـــت، به صفوف انقلابیون پیوســـت (در ظاهر)، وضعیت حوثی‌ها در انقلاب یمن کمی متزلزل‌تر از قبل شـــد. گروه‌های اســـلام‌گرا در یمن و جهت‌گیری آن‌ها در خصوص علی عبدالله صالح در زیر آمده است:

	رهبران یا سازمان اصلی	مشارکت در سیاست حزبی	وفاداری به نظام علی عبدالله صالح	دوره های رویارویی با دولت	مخالفت با دیگر گروه ها
اخوان المسلمین	حزب الاصلاح	بله	خیر	خیر	بله
زیدی ها	حزب الحق، حوثی ها	بله	خیر	بله	بله
گروه های جهادی	وابستگان به القاعده	خیر	خیر	بله	بله
سلفی ها	مقبل بن هادی	خیر	بله	خیر	بله
صوفی ها	دارالمصطفی	خیر	بله	خیر	خیر

منبع: (کاردان، ۱۳۹۰: ۱۹۲).

مصر: گروه‌های اســـلامی مصر از مهم‌ترین گروه‌هایی هســـتند کـــه در تاریخ معاصر در جهان عرب و حتی جهان اســـلام فعال بوده‌اند. اخوان‌المســـلمین کـــه در حقیقت مهم‌ترین، قدیمی‌ترین و منسجم‌ترین جنبش اسلامی‌ای است که در شرایط کنونی فعال است، در طول یک قرن گذشـــته به‌عنوان یک گروه مخالف شـــناخته می‌شده اســـت. نوع نگاه آنها به اسلام به‌عنوان یک دین جامع که برای تمامی شئون زندگی انسان برنامه دارد، موجب شده است تا نســـبت به تحقق حکومت اسلامی همّ ویژه‌ای داشته باشند (موحدی ساوجی، ۱۳۸٤: ۱۵۳). اگرچه اشـــتراکات گفتمانی این گروه اســـلامی با اقلیت شیعیان مصر بسیار بوده است، گاهی در این میان برخی تنش‌ها نیز رخ می‌دهد. این تنش‌ها موجب مواضعی نیز شده است. راسم النفیس یکی از رهبران شـــیعیان مصر درهنگام برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری مصر، در گفتگویی انتقادی به برخی موارد مشـــکوک در خصوص اخوان‌المســـلمین اشـــاره کرده بود (برخورد اســـلام‌گرایان مصری با شـــیعیان بهتر از مبارک نخواهد بود، ۱۳۹۱/۳/۳۱). اما نوع نگاه اخوان‌المسلمین به رژیم صهیونیستی، اعتقاد به آرمان فلسطین، حاکمیت اسلام، وحدت اســـلامی و غیره موجب شـــد تا قدرت‌گیری اخوان مرزهای فضای ژئوپلیتیک انتقادی شیعه را با تغییرات اساســـی مواجه سازد گرچه اخوان‌المسلمین پس از رسیدن به قدرت در عمل، دچار برخی اشتباهات بزرگ شد اما با روی کار آمدن دوباره نظامیان در سیاست، ایفای نقش

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030273]

اخوان‌المسلمین مصر به عنوان یک بازنگر فروملی - گفتمانی دچار حاشیه‌های بسیاری شد.

البته گروه‌های دیگری نیز در فضای سیاسی مصر فعال هستند. سلفی‌ها که پس از سقوط حسنی مبارک، در چرخشی آشکار به فضای مشارکت سیاسی در کشور وارد شده و توانستند در انتخابات پارلمانی نیز پیروزی قابل توجهی کسب نمایند (براون، ۲۰۱۱: ۱۱-۳)، دارای برخی اشتراکات گفتمانی با شیعیان و اخوان‌المسلمین هستند اما حاشیه‌های رفتاری آنان در قبال شیعیان و نوع ارتباطات آنان با برخی کشورهای خارجی همچون عربستان موجب شده است تا تنش‌های بسیاری میان آنان و شیعیان مصر به‌وجود آید. البته برخی از این تنش‌ها با بی‌تدبیری شیعیان مصر آغاز شده است. یکی از مواردی که موجب شد تا برخی گروه‌های اسلامی در قبال شیعیان مصر موضع بگیرند، افتتاح حسینیه شیعیان مصر با حضور علامه کورانی، روحانی معروف شیعه لبنانی‌الاصل بود. اقدامی که با توجه به حساسیت‌های بالای اهل تسنن مصر روی شیعیان این کشور، اقدامی بدموقع و تنش‌زا بوده و فضای گفتمانی وحدت اسلامی را کمی خدشه‌دار کرده است. سلفی‌ها آن‌قدر در این ماجرا پیش‌روی کردند که حتی یکی از علمای سلفی مصر، فتوای تخریب حسینیه را نیز صادر کرد (یک وهابی خواستار تخریب حسینیه شیعیان قاهره شد، ۱۳۹۱/۲/۱۹).

در هر صورت تمایلات صوفیانه بخشی قابل توجهی از اهل تسنن مصر، موجب شده است تا آنان نسبت به اهل‌بیت: و برخی نمادهای شیعی احترام بسیاری قائل شوند که این موارد بر هم‌گرایی‌ها خواهد افزود.

تونس: پیروزی نسبی اسلام‌گرایان تونس در انتخابات پارلمانی موجب شده است تا در رویه این کشور نسبت به دولت رئیس‌جمهور سابق یعنی بن‌علی، تمایزات مهمی دیده شود. به‌عنوان مثال، نزدیکی گسترده به غرب، عدم رویکرد انقلابی نسبت به رژیم صهیونیستی، مخالفت با نمادهای اسلامی و غیره ازجمله مواردی بودند که بن‌علی در زمان ریاست خود بر تونس، آنان را عملی می‌ساخت. اگرچه اسلام‌گرایان در شرایط کنونی هنوز نتوانسته‌اند به تثبیت کامل برسند و همچنان قسمت اعظمی از آرمان‌های انقلاب، عملی نشده است، دیگر نشانی از رویکردهای سابق نیز وجود ندارد.

سوریه: اگرچه همه اهل تسنن سوریه مخالف بشار اسد نیستند، ورود مخالفین سنی به فاز عملیات مسلحانه موجب شده است تا نقش آنان در معادلات منطقه‌ای افزایش پیدا کند. این افزایش نقش باعث تضعیف نقش سوریه در ژئوپلیتیک شیعی شده است. در میان

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030273]

دال‌های گفتمانی مخالفین مسلح بشار اسد، نشانی از مخالفت گسترده و همه‌گیر با غرب و رژیم صهیونیستی نیست و آنها صرفاً تلقی خاصی از اسلام را مد نظر دارند که همسو با گفتمان رسمی عربستان سعودی و قطر است. این مسئله به‌معنای این است که گروه‌های معترض مسلح در سوریه، در ژئوپلیتیک انتقادی شیعه، عامل مخرب محسوب می‌شوند.

۳. بازیگران ملّی - گفتمانی

مصر جدید در زمانی‌که اسلام‌گرایان موفق شدند به قدرت دست پیدا کنند، یکی از اصلی‌ترین بازیگران ملی - گفتمانی در خاورمیانه بود و در شرایط کنونی نیز اخوانی‌ها اگرچه از قدرت کنار زده شده‌اند اما همچنان در معادلات مصر بازیگری مهم به شمار می‌آیند البته این به معنای قرابت کامل مصر با جهت‌گیری‌های شیعی نیست. به‌عنوان مثال، اخوانی‌های مصر در خصوص سوریه، نظر مشخص و صریحی داشته و ادامه حکومت بشار اسد را به‌هیچ‌وجه به‌نفع مردم سوریه نمی‌دانستند و رسماً با آن مخالفت می‌کردند اما این موضع با مواضع قطر و عربستان یکسان نبود. چرا که آنان خواستار حمله نظامی علیه سوریه بوده و هستند و با حمایت‌های مالی و تسلیحاتی به مخالفان مسلح اسد، در هرچه بیشتر بحرانی کردن اوضاع سوریه می‌کوشند البته محمد مرسی رئیس جمهور اخوانی برکنارشده از قدرت نیز در هفته‌های آخرحکومت خود و پس از ورود حزب‌الله لبنان به منطقه القصیر در سوریه، به دلایل مختلف، نظر خود را در قبال سوریه را کاملاً تغییر داد و خواستار جهاد علیه این کشور شد. در هر صورت، گفتمان اخوانی در چه در قدرت و چه در حال حاضر به‌عنوان اپوزیسیون در مباحثی چون نقش اسلام در حکومت، ضدیت با اسرائیل، تلاش برای تقویت حماس و مواردی از این‌دست، قرابت‌هایی با گفتمان شیعه دارند. نکته‌ای که در خصوص مصر باید در نظر گرفت این است که مصر جدید اقتضائاتی دارد که باید در تحلیل رفتارهای سیاسی دولت‌مردان آن، به‌دقت بررسی شوند. تونس نیز یکی دیگر از بازیگران ملّی - گفتمانی مؤثر در ژئوپلیتیک انتقادی شیعه است که البته اثرات کمتری از مصر دارد، لبنان را نیز می‌توان در این چارچوب قرار داد. ترکیه نیز اگرچه قبل از آغاز تحولات منطقه در این چارچوب حضوری نسبی داشت، با توجه به موضع‌گیری‌های آن نسبت به بحران سوریه در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی و استقرار موشک‌های پاتریوت در مرز خود با سوریه و همچنین دعوت از مصر برای تدوین قانون اساسی لائیک، عملاً در این چارچوب قرار ندارد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030273]

٤. بازیگران ملّی - شیعی

عراق، سوریه و ایران در شرایط کنونی تنها بازیگران ملّی - شیعی مؤثر در ژئوپلیتیک انتقادی شیعه هستند. نقش عراق پس از خروج آمریکا از این کشور در این ژئوپلیتیک افزایش یافته است. اما نقش سوریه با توجه به بحران این کشور و فعالیت‌های مخالفان درونی، منطقه‌ای و بین‌المللی آن کاهش قابل‌توجهی یافته اســت. سوریه در شرایط کنونی صرفاً به درگیری‌های داخلی می‌اندیشــد و در هیچ یک از مســائل منطقه‌ای حضور جدی ندارد (ر.ک به: نیاکویی، اسماعیلی و ستوده: صص ۱۳۳-۱۳۱).

ژئوپلیتیک انتقادی شیعه و سامانه نظم

برای بررســی اثرات ژئوپلیتیک انتقادی جدید شــیعه پس از تحولات اخیر بر روی معادلات نظم منطقه‌ای، لازم است تا این اثرات در سه حوزه مرتبط با نظم مورد بررسی قرار گیرد. این سه حوزه عبارتند از: چارچوب کارکردی نظم؛ الگوهای رفتاری؛ سامان‌دهی الگوهای رفتاری.

۱. چارچوب کارکردی نظم

در بررســی چارچوب کارکردی ســامانه نظم در ژئوپلیتیک انتقادی شــیعه، واحدها، کنش متقابل میان واحدها و قواعد حاکم بر رفتار آنان و همچنین ترســیم‌کننده درونی و بیرونی مورد بررســی قرار می‌گیرد. برای فهم تحول در واحدها می‌توان به شــکل‌های زیر توجه نمود. در این تقســیم‌بندی، مهم‌ترین بازیگران و نه همه‌ی آن‌ها ذکر شده‌اند در این قسمت باید دو تصویر دیده شود نه یکی. در فایل ورد پیوستی، فایل دوم که مربوط به شرایط پس از تحولات است هم آمده است.

واحدهای سامانه نظم بر اساس ژئوپلیتیک انتقادی شیعه قبل از تحولات منطقه

واحدهای ملی شیعی	واحدهای ملی گفتمانی	واحدهای فروملی شیعی	واحدهای فروملی گفتمانی
- ایران - سوریه - عراق (حضور آمریکا)	- لبنان (نخست‌وزیری میقاتی) - ترکیه (حاکمیت حزب عدالت و توسعه)	- حزب‌الله لبنان - گروه‌های شیعی بحرین (مثل الوفاق و عمل اسلامی) - گروه‌های شیعی عربستان(مناطق شرقی و جنوبی) - شیعیان زیدی(حوثی) و شیعیان اثنی عشری یمن - شیعیان مصر (تشکل آل‌البیت) - جریان صدر، مجلس اعلای اسلامی، حزب الدعوه	- حماس و جهاداسلامی فلسطین - اخوان المسلمین مصر

(قاسمی؛ ۱۳۸٤: ۳۲)

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030273]

آنچه به‌وضوح قابل مشـاهده اسـت، تقویت واحدهای فروملّی شـیعی و گفتمانی در ژئوپلیتیک انتقادی شـیعه اسـت اما در واحدهای ملّی - شـیعی شـرایط متفاوت اسـت. اگرچـه خروج آمریـکا از عراق می‌توانـد مبنایی جهت حضور جدی‌تـر دولت عراق در معادلات منطقه‌ای باشـد، سـایه بحران سوریه آن‌قدر سنگین اسـت که عملاً موجب شده با دخالت برخی کشـورها همچون ایالات متحده آمریکا، عربسـتان سعودی، قطر و ترکیه فضای ژئوپلیتیک شـیعه نتوانـد از خروج آمریکا از عراق بهره کافـی را ببرد. تلاش برای برجسته‌سـازی علوی بودن نظام حاکم در سـوریه (بشار اسد) از سـویی، و دامن زدن بر اختلافات مذهبی شیعی - سنی، عملاً برای ژئوپلیتیک انتقادی شیعه آن‌قدر تنش‌زا خواهد بـود که ورود واحدهای ملّی - گفتمانی‌ای چون مصـر و تونس به این فضا هم نمی‌تواند آن را جبران سـازد. حتی مصر به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین بازیگر ملّی - گفتمانی، اگرچه ویژگی ضدصهیونیسـتی قابل توجهی دارد، در بحران سوریه مخالف بشار اسد است؛ البته در طرح راهکار برای حل بحران، برخلاف کشورهای ملّی - غیرگفتمانی‌ای چون عربستان و قطر، مخالف مداخله نظامی در این کشور است.

بر این اسـاس، اگرچه تحولات منطقه که از اواخر سال ۲۰۱۰ آغاز شد موجب تقویت ژئوپلیتیک انتقادی شـیعه گشته اسـت، این آینده بحران سوریه است که تعیین‌کننده نتیجه این اثرات خواهد بود. البته ناگفته پیداسـت که آرایش سیاسـی سوریه پس از اسد، نتیجه دیپلماسی و نفوذ کشورهای حامی و مخالف نظام فعلی این کشور است و نمی‌توان صریحاً به یک جمع‌بندی مشخص رسید اما آن‌چه در این‌جا مطرح شد، اثرات بحران جاری سوریه در این ژئوپلیتک است.

در حوزه کنش متقابل بین واحدها، برخی اشـتراکات گفتمانی ازجمله ضدّیت با رژیم صهیونیسـتی بین همه واحدها حاکم اسـت اما رابطه بین واحدها وابسـته به برخی مسائل دیگر نیز هسـت. به‌عنوان مثال اخوان‌المسلمین مصر به‌عنوان یک گروه فروملّی - گفتمانی در ژئوپلیتیک انتقادی شـیعه، در برخی موارد توان همراهی با شـیعیان مصر را ندارد. یا در تونس، راشد الغنوشی از خطر تلاش شیعیان برای گسترش تشیع می‌گوید و غیره. لذا به‌نظر می‌رسـد کنش متقابل بین واحدها، با تأکید بیشـتری بر روی نقاط افتراق گفتمان مذهبی منحصر به خود صورت می‌گیرد. البته این امر در میان عناصر شیعی ژئوپلیتیک انتقادی دیده نمی‌شـود و روابط عنصر ملّی - شیعی جمهوری اسـلامی ایران با عنصر فروملّی - شیعی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030273]

حزب‌الله لبنان یا فروملّی – شـیعی عراق بر اساس اشتراکات بسیار بالای گفتمانی صورت می‌گیرد و اگر اختلاف نظری وجود دارد صرفاً بر اسـاس نوع تلقی از «منافع ملّی» اسـت. بر این اسـاس، باید گفت که اگرچه اشتراکات گفتمانی در مقام مبارزه با یک عامل بیرونی همچون اسـرائیل در میان واحدهای شیعی و سـنی قابل توجه است، کنش متقابل آنها در عرصه‌های داخلی‌تر در چارچوب هویتی خود، با تنش‌هایی همراه است. البته این نگرانی‌ها عمدتاً از سوی واحدهای سنّی مؤثر در ژئوپلیتیک انتقادی شیعه مطرح می‌شوند.

در خصوص مرزهای ترسـیم‌کننده بخش‌هـای درونی و بیرونی نیـز باید بر این نکته تأکید کرد که اساسـاً در ژئوپلیتیک انتقادی، آنچه برجسته است، اشتراکات گفتمانی بوده و نمی‌توان از عنصر مکان سخن گفت چرا که این فضا است که محوریت دارد.

۲. الگوی رفتاری

الگوی رفتاری در نگاه سیستماتیک به ژئوپلیتیک انتقادی، عمدتاً معطوف به هم‌گرایی میان واحدها و واگرایی نسـبت به عناصر غیرگفتمانی اسـت. البته این هم‌گرایی دائمی نبوده و در خصوص برخی سیاست‌های خاص همچون مسائل داخلی و منافع ملّی متفاوت است. به‌عنوان مثال اگرچه اشـتراکات گفتمانی موجب روابط بهتر ایران و تونس جدید نسبت به ایران و تونس بن‌علی شـده اسـت، نباید فراموش کرد که برخی مسائل خاص ژئوپلیتیکی برای تونس وجود دارد که امکان واگرایی با ایران را محتمل می‌سـازد. مطمئناً روابط میان واحدهای ملّی – شیعی و فروملّی – شیعی هم‌گرایانه‌تر از روابط واحدهای ملّی – شیعی و واحدهای ملّی – گفتمانی و یا فروملّی – گفتمانی خواهد بود. اما به هرحال نوع روابط این واحدهـا با واحدهای فروملّی – غیرگفتمانی و یا ملّی – گفتمانی در مواضع مهم، واگرایانه خواهد بود. این مسئله را می‌توان با محوریت بحران سوریه به‌خوبی مشاهده کرد. به‌عنوان مثال، تونس از مخافان بشـار اسـد محسوب می‌شـود اگرچه این مخالفت مانند مخالفت عناصر ملّی – غیرگفتمانی‌ای چون قطر و عربستان نیست. لذا در فهم واگرایانه یا هم‌گرایانه بودن روابط میان واحدهای چهارگانه مؤثر در ژئوپلیتیک انتقادی شـیعه، نگاه به اقتضائات محلی، ملّی و منطقه‌ای واحدها بسـیار مهم اسـت. الگوی رفتاری آنها نسـبت به یکدیگر هرچقدر هم که با ویژگی‌های هم‌گرایانه مذهبی همراه باشد، می‌تواند با مسائلی که مرتبط با منافع ملّی اسـت، متفاوت شـود. به‌عنوان مثال روابط ایران و عـراق به‌عنوان دو بازیگر مهم ملّی – شـیعی با محوریت مسـائل منطقه‌ای و مذهبی، روابط مطلوبی تلقّی می‌شود اما

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030273]

عواملی مانند پرداخت غرامت ناشی از حمله عراق به ایران در زمان صدام حسین می‌تواند تنش‌هایی هرچند کم‌عمق را میان دو کشور به‌وجود بیاورد. این تنش‌ها میان واحدهای ملّی - شیعی و ملّی - گفتمانی مثل ایران و مصر، رنگ و بوی مذهبی نیز خواهد داشت.

۳. سامان‌دهی الگوی رفتاری

در این بخش از سامانه نظم، دو قسمت کنترل‌کننده و کنترل‌شونده قابل بررسی است. در قسمت کنترل‌کننده، به‌نظر می‌رسد واحد ملّی - شیعی‌ای مثل جمهوری اسلامی ایران توان کنترل‌کنندگی واحدهای ملّی - شیعی دیگر یعنی عراق و سوریه را داراست. از سوی دیگر، نوع ارتباطات ایران با واحدهای فروملّی - شیعی موجود در ژئوپلیتیک انتقادی شیعه موجب نفوذ بالای این کشور در میان آنان شده است. اما ارتباطات واحدهای ملّی - شیعی با واحدهای ملّی - گفتمانی نیز قابل‌بررسی است که به‌نظر می‌رسد در این قسمت، برخی واحدهای ملّی - غیرگفتمانی توان اثرگذاری بالایی دارند. به‌عنوان مثال در روابط ایران و مصر، عربستان به‌عنوان یک بازیگر مخرّب و «غیر» در ژئوپلیتیک انتقادی شیعه می‌تواند اثرگذار باشد. بدون شک با تثبیت شدن برخی گفتمان‌ها که با تحولات منطقه در کشورها بر سر کار آمدند، می‌توان به ارزیابی جامع‌تری از سامان‌دهی الگوی رفتاری کشورها دست یافت.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030273]

نتیجه‌گیری

تحوّلات اخیر در خاورمیانه و شمال آفریقا توانسته است بسیاری از عناصر مهم در سامانه نظم منطقه‌ای خاومیانه و شمال آفریقا را دچار تغییر کند. در این میان، اثرات این رویدادها بر ژئوپلیتیک انتقادی شیعه در سه زیرمجموعه چارچوب کارکردی (واحدها، مرزها، قواعد و کنش‌های متقابل)، الگوی رفتاری و سامان‌دهی الگوهای رفتاری قابل فهم است. با توجه به اینکه در ژئوپلیتیک انتقادی، عنصر مقاومت در مقابل یک گفتمان غیر، می‌تواند موجب اثربخشی بسیاری از واحدها شود، می‌توان به این نتیجه رسید که علاوه بر شیعیان، بازیگرانی که شیعه نبوده اما متناسب با محور مقاومت، گفتمان نزدیکی با شیعیان دارند نیز در ژئوپلیتیک انتقادی شیعه حضور مؤثری دارند. بر این اساس، چهار بازیگر ملّی – شیعی، فروملّی – شیعی، ملّی – گفتمانی و فروملّی – گفتمانی در قالب چارچوب کارکردی سامانه نظم منطقه‌ای قابل بررسی‌اند. تحولات منطقه موجب تغییراتی در این زمینه شده است؛ به‌عنوان مثال در مصر حسنی مبارک برکنار شد و اسلام‌گرایان به قدرت رسیدند و بر این اساس واحد ملّی – غیرگفتمانی حسنی مبارک به واحد ملّی – گفتمانی مرسی تبدیل شد. بازیگران فروملّی – شیعی و یا فروملّی – گفتمانی با ارتقای نقشی روبرو شده‌اند و میزان اثرگذاری آن‌ها در معادلات داخلی افزایش یافته است. اما در خصوص الگوهای رفتاری به‌نظر می‌رسد اگرچه تغییرات واحدها به تقویت ژئوپلیتیک شیعه انجامیده است، نوع روابط میان واحدهای مؤثر در زمینه‌های گوناگون الزاماً هم‌گرایانه نیست و هم‌چنان برخی حساسیت‌های مذهبی بر روی شیعیان وجود دارد. البته وجود برخی دال‌های مهم همچون حاکمیت اسلام موجب هم‌گرایی‌هایی خواهد شد و یا در عرصه سیاست‌خارجی مقابله با رژیم صهیونیستی می‌تواند هم‌گرایی را افزایش دهد.

در بخش سوم سامانه نظم یعنی سامان‌دهی الگوهای رفتاری به‌نظر می‌رسد تا مرحله تثبیت سیاسی در منطقه، نمی‌توان اظهارنظر جدّی‌ای کرد. بحران سوریه و آینده آن در این قسمت می‌تواند بسیار اثرگذار باشد. به‌هرحال با اذعان به مهم بودن آینده سوریه در وضعیت ژئوپلیتیک شیعه در منطقه، تحولات منطقه به‌لحاظ گفتمانی موجب ارتقاء گفتمان مقاومت در منطقه و تضعیف گفتمان نزدیک به بازیگر مداخله‌گر یعنی ایالات متحده آمریکا شده است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030273]

کتابنامه

ابراهیم، فواد (۱۳۸٦). **شـیعیان عربستان سعودی**، سلیمی دارمی و فیروزه میررضوی، تهران: انتشارات ابرار معاصر تهران.

احمدی‌پور، زهرا (۱۳۸٤). «ژئوپلیتیک انتقادی»، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، ویژه‌نامه شماره بهار،

حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). **اصول مفاهیم ژئوپلیتیک**، مشهد: انتشارات پاپلی.

حسینی، مطهره و سروش بهربر (۱۳۸۹). «آئین تشیع در مصر و دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام**، سال یازدهم، شماره ٤٤،

حمیدی، محسن (۱۳۹۰). «ناآرامی در بحرین؛ درخواست اصلاحات یا انقلاب»، **مجله اطلاعات سیاسی – اقتصادی**، شماره ۲۸٤،

دوست‌محمدی، احمد، و طیبه خطیبی، (۱۳۹۱) جایگاه حق رای مردم در اندیشه وهابی با تاکید بر واکنش عربستان به بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال افریقا، **فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام**، سال دوم، شماره دوم.

روتلج، پاول (۱۳۸۰). «**ضدژئوپلیتیک (ژئوپلیتیک انتقادی)» در اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم**، محمدرضا حافظ‌نیا و هاشم نصیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

ساسانیان، سعید (۲۱ مهرماه ۱۳۹۰). «مصاحبه با رهبر شیعیان دوازده امامی یمن در میدان التغییر»، در: khorasannews.com.

صادقی، حسین و حسن احمدیان (۱۳۸۹). «دگرگونی جایگاه منطقه‌ای یمن: امکانات و چالش‌ها»، **فصلنامه راهبرد**، شماره ٥٦،

عباسی اشلقی، مجید (۱۳۹۰). «بازتاب‌های بیداری اسلامی و لزوم اصلاح در نظام سیاسی عربستان»، در: **مجموعه کتاب خاورمیانه۸: ویژه اسلام‌گرایی و بیداری اسلامی در خاورمیانه**، تهران: ابرار معاصر تهران.

قاسمی، فرهاد (۱۳۸٤). **اصول روابط بین‌الملل**، تهران: نشر میزان.

قاسمی، فرهاد (۱۳۹۰). **نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای، تهران:** نشر میزان.

کاردان، عباس (۱۳۹۰) «نگاهی به جریان‌ها و فرایندهای اسلام‌گرا در یمن»، در: **مجموعه کتاب خاورمیانه۸: ویژه اسلام‌گرایی و بیداری اسلامی در خاورمیانه**، تهران: ابرار معاصر تهران.

معینی علمدرای، جهانگیر (۱۳۸۵). **روش‌شناسی نظریه‌های جدید در سیاست (اثبات‌گرایی و فرااثبات‌گرایی)**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

موحدی ساوجی، محمدحسین (۱۳۸٤). «اخوان‌المسلمین، سیاست، جهان‌بینی، اهداف و اصول»، **فصلنامه مطالعات آفریقا**، سال دهم، شماره ۱۲، انتشارات وزارت خارجه.

موسوی، علی (۱۱ مهر ۱۳۸٦). «سرکوب مخالفان دولت مصر به جبهه شیعیان کشیده شد»، نوشته شده در دیپلماسی ایرانی، در: irdiplomacy.ir.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی – پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030273]

مسعودنیا، حسین و زهرا صادقی نقدعلی، «خاورمیانه بزرگ جهان اسلامی: چالش‌ها و راهکارها»، **فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام**، سال سوم، شماره اول.

نش، کیت (۱۳۸۹). **جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست و قدرت**، ترجمه: محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر.

نیاکویی، سیدامیر و دیگران (۱۳۹۲)، (تبیین راهبرد امنیتی ایران در قبال بحران سوریه ۲۰۱۱-۲۰۱۳)، **فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام**، سال سوم، شماره اول.

هاشمی نسب، سیدسعید (۱۳۸۹). «بحران بحرین»، **فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای**، سال دوم، شماره ۵،

یزدانی، عنایت‌الله، مجتبی تویسرکانی و سوسن مرادی (۱۳۸٦). «تبیین ژئوپلیتیکی رقابت قدرت؛ مطالعه موردی اوراسیای مرکزی در بازی بزرگ جدید»، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، سال سوم، شماره سوم،

یمانی، مای (۱۳۷۸). «اسلام و مدرنیته: روحیات نسل جدید در عربستان سعودی»، **فصلنامه سیاست خارجی**، شهرام ترابی، سال سیزدهم. شماره ۱،

«الازهر برای مقابله با تبلیغ تشیع در مصر تشکیل جلسه داد» (۲۰ می ۲۰۱۲). در العربیه فارسی، در: alarabiya.net.

«برخورد اسلام‌گرایان مصری با شیعیان بهتر از مبارک نخواهد بود» (۳۱ خرداد ۱۳۹۱)، نوشته شده در جوان آنلاین در: javanonline.ir.

«تاریخچه و وضعیت کنونی شیعیان تونس» (۸ تیر ۱۳۹۱). نوشته شده در خبرگزاری اهل بیت علیهم‌السلام در: abna.ir.

«تحصن دانشجویان دختر عربستانی» (۲۰ اسفند ۱۳۹۰). نوشته شده در العالم در: alalam.ir.

«تقویت همکاری‌های الازهر و قم و افزایش فعالیت‌های سینمایی ایران در مصر» (۱۱ خرداد ۱۳۹۰). نوشته شده در خبرگزاری فارس در: farsnews.ir.

«شیعیان مصر حزب تشکیل می‌دهند» (۲ شهریور ۱۳۹۰). نوشته شده در خبرگزاری فارس در: farsnews.ir.

«یک وهابی خواستار تخریب حسینیه شیعیان قاهره شد» (۱۹ اردیبهشت ۹۱). نوشته شده در خبرگزاری اهل‌بیت، در: abna.ir.

Galtong, Johans (1977). **Methodology and Ideology**, Copenhagen: Christian Ejlers.

Laclau, E. (1985). **Hegemony and Socialist Strategy**, London:, second edition.

Fuller, Graham (1999). **The Arab Shia: The Forgotten Muslims**, Macmillan Press.

Brown, Jonathan (2011). "Salafis and Sufis in Egypt", **The Carengie Papers**. (www.carnegieendowment.org/filed/salasis_sufis.pdf)

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030273]